

بسم الله الرحمن الرحيم

سلسلهٔ رمضانی: بازسازی دوباره امت؛ از عبادت فردی تا آگاهی جمعی!

(قسمت دوم)

(ترجمه)

چرا اصلاح‌گری در مصر ناکام ماند؟

از دهه‌ها پیش، برای مردم مصر پیوسته سخن از اصلاح گفته می‌شود؛ اصلاح اقتصادی، اصلاح سیاسی، اصلاح اداری. چهره‌ها تغییر می‌کنند و شعارها عوض می‌شود، اما نتیجه همان است؛ بحران‌های بیشتر، فقر گسترده‌تر و فشار و ستم افزون‌تر می‌گردد. دلیل اصلی این ناکامی آن است که چیزی که اصلاح نامیده می‌شود، به ریشهٔ بیماری دست نمی‌زند، بلکه تنها ابزارهای همان نظام را آراسته می‌سازد. چگونه می‌توان واقعتی را اصلاح کرد که از آغاز بر پایه نادرست بنا شده است؟ و چگونه می‌توان انتظار عدالت داشت از نظامی که حاکمیت را از آن شرع الله نمی‌داند و حکومت را امانت نمی‌شمارد، بلکه آن را غنیمت می‌بیند؟

اصلاح واقعی در اسلام از تغییر چند قانون فرعی آغاز نمی‌شود؛ بلکه از بنیاد دولت، قانون اساسی و نظام تشریح شروع می‌گردد. اصلاح در اسلام به معنای وصله‌کاری یک نظام نیست، بلکه به معنای دگرگون ساختن آن از ریشه است. به همین دلیل همه تلاش‌هایی که برای اصلاح‌های جزئی انجام شد، ناکام ماند؛ زیرا پرسش اساسی را نادیده گرفت: چه کسی حکومت می‌کند؟ بر اساس چه چیزی حکومت می‌کند؟ و این حکومت در خدمت چه کسانی است؟

مردم مصر به این دلیل ناکام نشدند که صبرشان کم بود؛ بلکه به این سبب که بارها با شعارهای اصلاح فریب داده شدند؛ در حالی‌که واقعیت به سود گروه اندک اداره می‌شود و پیامدهای شکست و ناکامی بر دوش امت گذاشته می‌شود. رمضان این پرسش را دوباره و بی‌پرده مطرح می‌کند: آیا ما اصلاحی در چارچوب همان نظام موجود می‌خواهیم یا دگرگونی‌ای ریشه‌ای که حاکمیت را به مرجع درست و اصلی آن بازگرداند؟ اصلاح واقعی تنها با برپایی آن بدیل تمدنی ممکن است که با عقیده و فطرت امت هماهنگ باشد؛ آن بدیل تمدنی به جز دولت خلافت رانده بر منهج نبوت نخواهد بود.

مترجم: پارسا امیدی